

1398/09/13

نگاهی به جایگاه و نقش مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی براساس اندیشه رهبر انقلاب؛

مردم در جمهوری مؤمنین

نقش و جایگاه مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی، موضوعی مهم و بنیادی در نظام اندیشه‌ی سیاسی انقلاب اسلامی است. از جمله نکات و پرسش‌های قابل تأمل در این موضوع، این موارد است:

۱. منشأ، خاستگاه و مبنای پذیرفتن خواست و رضایت عامه‌ی مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی چیست؟

۲. چرا در این نظام، به سازوکارهای ناظر به آراء عمومی مانند انتخابات توجه میشود؟ آیا این توجه، منبعث از پذیرفتن - به اصطلاح - یک «بذ ضروری» و «پذیرش یک اجبار سلبی» است یا بر اساس نوعی «نگاه ایجابی» به رأی مردم است؟

پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR در این یادداشت، به این دو پرسش براساس اندیشه و منظومه‌ی فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۲ بند زیر پاسخ می‌دهد.

✦ خاستگاه و مبنای پذیرفتن خواست و رضایت عامه‌ی مردم

در پاسخ به پرسش نخست، باید در نظر داشت که در منطق و اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای «بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه‌ی نظام اسلامی، سرپا نمیشود و نمماند.» [۱] اما این سخن، مستلزم توجه به نکاتی دقیق و مهم است.

یکم. نخستین نکته این است که از دیدگاه اسلام حقّ حاکمیت از آن خداوند است و مشروعیت نظام حکومت ولایی نیز ناشی از اراده‌ی الهی است: «مشروعیت این نظام به تفکر اسلامی و به استواری بر پایه‌ی اسلام است.» [۲] بنابراین در اسلام دوگانه‌ای به نام اراده‌ی الهی و اراده‌ی مردم در عرض یکدیگر نیستند؛ بلکه مشروعیت همه‌چیز، از جمله اراده‌ی مردم در طول اراده‌ی الهی است: «مردم‌گرایی در اسلام ریشه‌ی اسلامی دارد [...] پایه و اساس حقّ مردم در این انتخاب خود اسلام است.» [۳] فرآیند حضور و مشارکت مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی، در چارچوب اسلام ناب محمدی (ص) است و فراتر از این نیز نخواهد بود. در این نظرگاه: «بدون آراء مردم، بدون حضور مردم و بدون تحقق خواست مردم، خیمه‌ی نظام اسلامی، سرپا نمیشود و نمماند. البته مردم، مسلمانند و این اراده و خواست مردم، در چارچوب قوانین و احکام اسلامی است.» [۴]

دوم. در اندیشه‌ی سیاسی اسلام، «تشکیل حکومت اسلامی» همواره یک هدف مهم و کلیدی بوده است. «ائمّه (علیهم السّلام) حداقل از دوران امام حسن مجتبی به بعد، یک حرکت زیرزمینی همه‌جانبه‌ی سیاسی و انقلابی را به قصد قبضه کردن حکومت شروع کرده بودند.» [۵]

سوم. نکته‌ی دیگر این است که در اندیشه‌ی شیعه‌ی امامیه، «حکومت و حکمرانی» هم یک «حق» است و هم یک «تکلیف و وظیفه». در این اندیشه: «امیرالمؤمنین حکومت را یک حق میدانند، همچنانی که یک وظیفه نیز میدانند.» [۶]

چهارم. باید به سیره و مشی اهل بیت (علیهم السّلام) بخصوص در وجه مردمی بودن حکومت در زمان معصومین (علیهم السّلام) توجه داشت. «در صدر اسلام حکومت پیغمبر و تا مدّتی بعد از رحلت پیغمبر، حکومت جامعه‌ی اسلامی یک حکومت مردمی بود. در دوران امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة والسّلام) مردم در صحنه‌ی حکومت به معنای واقعی دخالت داشتند، نظر میدادند، رأی میدادند، تصمیم میگرفتند و حقّ مشورت - که قرآن پیغمبر را به آن امر کرده است - متعلّق به مردم بود که: وَ شَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ؛ [۷] مردم حق دارند که با آنها مشورت بشود.» [۸]

پنجم. توجه به ماهیت رابطه‌ی میان مردم و حاکمان است. «مردم‌سالاری در نظام اسلامی، مردم‌سالاری دینی است؛ یعنی به نظر اسلام متکی است؛ فقط یک قرارداد عرفی نیست. مراجعه به رأی و اراده و خواست مردم، در آنجایی که این مراجعه لازم است، نظر اسلام است؛ لذا تعهد اسلامی به وجود می‌آورد. مثل کشورهای دموکراتیک غربی نیست که یک قرارداد عرفی باشد تا بتوانند به راحتی آن را نقض کنند. در نظام جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری یک وظیفه‌ی دینی است.» [۹]

ششم. در یک جمع‌بندی از آنچه بیان گردید، این نکته قابل توجه است: «در اسلام به نظر مردم اعتبار داده شده؛ رأی مردم در انتخاب حاکم و در کاری که حاکم انجام میدهد، مورد قبول و پذیرش قرار گرفته؛ لذا شما می‌بینید که امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة والسّلام) با اینکه خود را از لحاظ واقع منسوب پیغمبر و صاحب حق واقعی برای زمامداری میداند، آن‌وقتی که کار به رأی مردم و انتخاب مردم میکشد، روی نظر مردم و رأی مردم تکیه میکند، یعنی آن را معتبر میشمارد و بیعت در نظام اسلامی یک شرط برای حقانیت زمامداری زمامدار است. اگر یک زمامداری بود که مردم با او بیعت نکردند، یعنی آن را قبول نکردند، آن زمامدار خانه‌نشین خواهد شد و مشروعیت

ولایت و حکومت به بیعت مردم وابسته است یا بگوئیم فعلیت زمامداری و حکومت به بیعت مردم وابسته است.^[۱۰] در این مبنا است که «جمهوری اسلامی، جمهوری مؤمنین است، جمهوری مسلمین لله است.»^[۱۱]

تعیین سازوکار تعیین سرنوشت جامعه مبتنی بر آراء مردم

پاسخگویی به پرسش دوم، مستلزم توجه به این نکته است که در مردمسالاری اسلامی، آنچنان که مورد نظر رهبر انقلاب است، مردمسالاری «معنای واقعی دارد، تعارف نیست.»^[۱۲] و مردم واجد نقشی اصیل هستند. این دیدگاه در تداوم و ادامه‌ی خط امام خمینی (ره) است: «امام به معنای واقعی کلمه معتقد به آراء مردم بود؛ یعنی آنچه را که مردم میخواهند و آرائشان بر آن متمرکز میشود.»^[۱۳]

هفتم. در خصوص سازوکار تعیین سرنوشت جامعه بر اساس آراء مردم، این فراز از رهبر انقلاب، بسیار قابل تأمل است: «تکیه‌ی نظام به آراء مردم، یکی از میدانهای است که مردم در آن نقش دارند. حضور مردم و اعتقاد به آنها باید در اینجا خود را نشان دهد. در قانون اساسی ما و در تعالیم و راهنمایی‌های امام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم، در حقیقت هیچ است. باید با اتکاء به رأی مردم، کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکاء به اراده‌ی مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر، مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است. این یکی از عرصه‌هاست. لذا امام بزرگوار، هم در دوران حیات خود به شدت به این عنصر در این عرصه پایبند باقی ماند و هم در وصیت‌نامه‌ی خود آن را منعکس و به مردم و مسئولان توصیه کرد. در حقیقت انتخابات و حضور مردم در صحنه‌ی انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و یا سایر انتخابیهایی که می‌کنند، هم حق مردم است، هم تکلیفی بر دوش آنها است. در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند. این هم از اسلام سرچشمه میگیرد. مسئله‌ی اساسی‌ای که بنده بارها بر آن تأکید کرده‌ام، این است که اسلام‌گرایی در نظام اسلامی، از مردم‌گرایی جدا نیست. مردم‌گرایی در نظام اسلامی، ریشه‌ی اسلامی دارد. وقتی ما می‌گوییم «نظام اسلامی»، امکان ندارد که مردم نادیده گرفته شوند. پایه و اساس حق مردم در این انتخاب، خود اسلام است؛ لذا مردمسالاری ما - که مردمسالاری دینی است - دارای فلسفه و مبنا است. چرا باید مردم رأی دهند؟ چرا باید رأی مردم دارای اعتبار باشد؟ این متکی بر احساسات توخالی و پوچ و مبتنی بر اعتبارات نیست؛ متکی بر یک مبنا بسیار مستحکم اسلامی است. پس یکی از عرصه‌هایی که امام همواره بر آن تأکید میکرد و آن را در ساخت نظام اسلامی کار گذاشت و برای همیشه آن را ماندگار کرد، مسئله‌ی حضور مردم در انتخاب مسئولان نظام و منتهی شدن مسئولیتها به اراده و خواست مردم است.»^[۱۴]

هشتم. در برابر این تفسیر ناب انقلاب اسلامی از نقش مردم، نگرشهای دیگری نیز مطرح است که همواره بر «دوگانه‌ی تقابلی» میان جمهوریت و اسلامیت تأکید میکنند و با ایجاد یک فضای قطبی در انتخاب یکی از این دوگان، دو گرایش به وجود آمده‌اند. رهبر انقلاب، بر منطق هر دو گرایش تاخته‌اند و آن را نقد کرده‌اند. «از طرف کسانی سعی شده که بین جمهوریت نظام و اسلامیت، رقابتی به وجود بیاورند. یک‌جا بعضی‌ها بگویند روی اسلامیت تکیه شد، جمهوریت تضعیف شد؛ یک عده هم بگویند روی جمهوریت تکیه شد، اسلامیت تضعیف شد. این‌طوری نیست.»^[۱۵]

ریشه‌ی این نقد و نگاه رهبر انقلاب در نگرش پیوسته‌ای است که به ماهیت جمهوری اسلامی دارند: «جمهوری اسلامی یک مرکب انضمامی نیست که ترکیبی باشد از چیزی به نام «جمهوری» و چیزی به نام «اسلامی»؛ تا یکی بگوید که من طرفدار جمهوریت بیشتر، یکی بگوید من طرفدار اسلامیت بیشتر، این جوری نیست بلکه جمهوری اسلامی یک حقیقت است آن جمهوری است، آن اتکاء به آراء عمومی است که خدا آن را مقرر کرده است.»^[۱۶]

نهم. در نگرش رهبر انقلاب، مردمسالاری دینی الگوی مطلوب در در همه‌ی عرصه‌ها است و «هر جایی که مسئولین کشور توانایی‌های مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم. هر جایی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم.»^[۱۷] بنابراین حضور و مشارکت مردم، چه در شأن تأسیسی حکومت دینی و چه در تداوم و بقاء آن، برخاسته از آن نگرشی نیست که مشارکت مردم را همواره امری توأم با خطا بدانند، بلکه در این نگرش «حضور مردم، عامل اصلی موفقیت‌ها» است.

دهم. افزون بر این، باید در نظر داشت که در این نظرگاه، حاکمیت و مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی، نه تنها نباید سازوکار مردمی تعیین سرنوشت جامعه را محدود کنند، بلکه باید همواره بر روند توسعه‌ی تکاملی و تعمیق آن در «همه‌ی بخشهای نظام اسلامی» اهتمام ورزند: «در همه‌ی مسائل گوناگون کشور، مسئولین باید بتوانند با مهارت، با دقت و ابتکار راههایی را برای حضور مردم پیدا کنند [...] اینجا است که مسئولین باید زمینه‌ها را، مدل‌ها را، فرمول‌های عملی و قابل فهم عموم را، فرمول‌های اعتمادبخش را برای مشارکت مردم فراهم کنند. در هر بخشی میشود این کارها را کرد. هم قوه‌ی مجریه، هم قوه‌ی قضائیه، هم قوه‌ی مقننه به شیوه‌ی خاص خود میتوانند این را تأمین کنند؛ از ابتکار مردم، از فکر مردم، از نیرو و انگیزه‌ی مردم، از نشاط جوانی جوانان ما - که قشر عظیم و وسیعی هستند - میتوانند استفاده کنند.»^[۱۸]

یازدهم. نقش و جایگاه آراء مردم و رضایت جامعه از حکومت مردمسالاری، از جنبه‌ی دیگری نیز مهم و قابل اعتنا است و آن، «حفظ اصل نظام اسلامی»^[۱۹] است. در سخن رهبر انقلاب: «[...] عامل دیگری که نگذاشت دشمن موفق شود، زیربنای محکم و متین نظام اسلامی - یعنی قانون اساسی - بود. در قانون اساسی ترتیبی داده شده است که حضور و اراده و رأی و خواست مردم را با جهت‌گیری اسلامی، در همه‌ی ارکان نظام، ظهور و بروز می‌دهد. این نظام مستحکم، انتخاب مردمی، مجلس مردمی و دولت مردمی

که بر پایه‌ی اسلام بود، مانع نفوذ دشمن شد.» [۲۰]

دوازدهم. افزون بر رهیافت‌های ناظر به درون نظام و جامعه‌ی اسلامی، الگوی نظام مردم‌سالاری اسلامی، یک «الگوی جهانی» است که میتواند در کشورهای گوناگون به اقتضاء شرایط آن جامعه و با کاربرست شیوه‌هایی حکیمانه، تحقق یابد؛ از همین‌روی رهبر انقلاب در پی انقلاب‌های بیداری اسلامی، آن را به مثابه یک «الگوی مطلوب» به «ملت‌های انقلاب کرده» پیشنهاد داده‌اند. [۲۱] رهبر انقلاب، چنین استدلال کرده‌اند که این مهم، بر نقش پیش‌برنده‌ی مردم در جامعه و تاریخ استوار است؛ «[...] ما هم از اوّل انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محوّل به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است؛ هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقّف مانده است. نمی‌گوییم حالا همیشه هم متوقّف مانده اما غالباً یا متوقّف یا کُند [شده]؛ اگر متوقّف نمانده است، کُند پیش رفته است. اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند. این مخصوص ما هم نیست؛ این را هم عرض بکنم که این مخصوص ما ایرانی‌ها نیست. در هر نقطه‌ای اگر کار دست مردم قرار گرفت و مردم دارای هدف بودند- [نه] آدمهای بی‌هدف، آدمهای سرگردان در امور زندگی، گرفتار امور روزمره‌ی شخصی، آنها نه- هرچیز کاری، سخت‌ترین کارها، کارهای نظامی، کارهای امنیتی، دست مردم وقتی افتاد، صحنه وقتی در اختیار مردم قرار گرفت، پیش خواهد رفت.» [۲۲]

پی‌نوشت‌ها:

- [۱]. [۱۴/۰۳/۱۳۷۸] خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران
- [۲]. [۷/۳/۱۳۸۲] بیانات در دیدار نمایندگان مجلس
- [۳]. [۱۴/۳/۱۳۸۰] بیانات در مرقد امام خمینی (ره)
- [۴]. [۱۴/۰۳/۱۳۷۸] خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران
- [۵]. [۲۳/۰۱/۱۳۶۴] خطبه‌های نماز جمعه تهران
- [۶]. [۲۹/۰۲/۱۳۶۰] بیانات در اولین کنگره‌ی بین‌المللی نهج‌البلاغه
- [۷]. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۵۹
- [۸]. آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴/۵/۱۳۶۲؛ خطبه‌های نماز جمعه تهران
- [۹]. [۱۴/۰۳/۱۳۸۱] بیانات در اجتماع بزرگ زائران حرم امام خمینی (ره)
- [۱۰]. [۲۳/۰۳/۱۳۶۶] خطبه‌های نماز جمعه تهران
- [۱۱]. [۲۶/۶/۹۸] بیانات در ابتدای درس خارج فقه
- [۱۲]. [۲۱/۰۷/۱۳۹۰]
- [۱۳]. [۱۴/۰۳/۱۳۷۸] خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران
- [۱۴]. [۱۴/۰۳/۱۳۸۰] بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره)
- [۱۵]. [۱۰/۰۵/۱۳۸۴]
- [۱۶]. [۲۳/۱۲/۱۳۸۰]
- [۱۷]. [۲۰/۰۷/۱۳۹۰]
- [۱۸]. [۲۰/۰۷/۱۳۹۰]
- [۱۹]. از نظر امام خمینی (ره): «حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر - ولو امام عصر باشد - اهمیّتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام.» (صحیفه‌ی امام خمینی (ره)، ۱۵ / ۳۶۵)
- [۲۰]. [۱۹/۰۱/۱۳۸۰] بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، به مناسبت ۱۹ دی‌ماه، سالروز قیام مردم قم
- [۲۱]. [۲۶/۰۶/۱۳۹۰]
- [۲۲]. [۲۹/۱۱/۱۳۹۲] بیانات در دیدار مردم آذربایجان به مناسبت سالگرد قیام بیست‌ونهم بهمن سال ۱۳۵۶ در حسینیّه امام خمینی (ره)